

واکاوی موسیقی و نظم آهنگ الفاظ قرآن کریم

سهراب مروتی^۱ و نرگس شکرپیگی^۲

چکیده:

سخن وقتی می‌تواند مفهوم خویش را به بهترین وجه منتقل نماید و در روح شنونده موثر باشد که به زیور فصاحت و بلاغت و سایر محسنات لفظی و معنوی، آراسته باشد؛ زیباترین سخن، یعنی قرآن کریم از این لحاظ در اوج فصاحت و ستیغ بلاغت می‌باشد. قرآن کریم، سرشار از صنایع ادبی است و این ویژگی‌های بی‌بدیل قرآن، به همراه سبک و اسلوب ویژه‌ای که نه نثر است و نه نظم؛ مخاطبین را به حیرت و شگفتی واداشته است. در حقیقت موسیقی و نظم آهنگ قرآن کریم، جدای از معنای آن نیست بلکه، هماهنگ با مقصود و غرض آیه و هم جهت با معنای آن است. نظم و آهنگی که بر مجموعه حاکم است، خود به چند دسته تقسیم می‌شود؛ که هر کدام جنبه‌ای از اعجاز قرآن را برای همگان روشن می‌کند. این پژوهش در صدد آن است که به بررسی و شناسایی جنبه موسیقایی و نظم آهنگ الفاظ و عبارات قرآن کریم با روشی تحلیلی - توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای بپردازد.

واژگان کلیدی: نظم آهنگ قرآن، سمانتیک قرآن، موسیقی الفاظ قرآن.

بیان مسئله:

یکی از جنبه‌های زیباشناختی قرآن کریم، موسیقی الفاظ و واژگان قرآن کریم است. هنر قرآن کریم در این ارتباط این است که موسیقی حاکم بر الفاظ، جملات، آیات و سوره‌ها با محتوا موجود در آن‌ها کاملاً مطابقت دارد، چه زیبا حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ» همانا، قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست (نهج البلاغه، ۱۳۸۴ ص ۶۴). شناخت جنبه‌های زیبای الفاظ و واژگان قرآن کریم در سطوح گوناگونی وجود دارد، گاهی ظرافت در به کارگیری واژه‌هاست. چرا که واژه‌ها عناصر بسیار مهمی هستند که صورت و هیئت هر اثر ادبی را تشکیل می‌دهند. واژه‌ها علاوه بر ارتباط مستقیمی که با معنی دارند. از نظر وزن و آهنگ هم متفاوت‌اند. «رابطه لفظ و معنی مانند؛ ارتباط جسم و روح است. همانگونه که اختلال جسم در روح خلل می‌افکند؛ ضعف و اختلال لفظ نیز موجب اختلال معنی خواهد بود» (زرین کوب، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۸۱). «در تقسیم بندی، زیبایی به دو قسم محسوس و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۱/۲۵

^۱ - نویسنده مسئول: دانشیار دانشگاه ایلام sohrab_morovati@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری علوم قرآن حدیث/ مدرس دانشگاه shekarbeygi.66@gmail.com

معقول تقسیم می شود؛ زیرا روح هم برای خودش زیبایی‌هایی دارند، چرا که معتقدیم در امر زیبایی خواه محسوس یا معقول باشد لذت، عنصر بسیار مهم درون ذاتی است و اگر بخواهیم منصفانه در این باب نظر دهیم خواهیم پذیرفت که همچنان که انسان از روبه رو شدن با زیبایی‌های محسوس در خودش احساس لذت می‌کند چه بسا بیشتر از دریافت زیبایی‌هایی معقول لذت می‌برد. آیات قرآن و زیبایی آن می‌تواند باعث لذت بردن عقل از این زیبایی‌ها شود و یک زیبایی معقول نیز در کنار زیبایی محسوس برای انسان فراهم می‌کند. دین داری با نوعی زیباشناسی آمیخته است. چرا که در حقیقت، همه چیز جلوه‌ای خداست که جمال محض و دارای صفات حسنی است؛ قرآن کلام این خدای دارای زیبایی است، پس این کلام هم کلامی موزون و زیباست» (عباس نژاد، ۱۳۸۵، ص ۵۴۰-۶۲۹).

واژه‌های قرآن کریم نیز در حالت ترکیبی نیز از موسیقی و آهنگ متفاوتی برخوردار هستند. «بی گمان امروز دانش زبان شناسی و آوا شناسی با یافته‌ها و تئوری‌های جدید و نیز ابزارهای الکترونیکی دقیق می‌تواند، جزئی‌ترین ارتعاشات تارهای صوتی و نامحسوس‌ترین تغییرات فیزیولوژیک به هنگام سخن گفتن را سنجیده و نشان دهد و با دستگاه‌های اسیلوگراف، فونوگراف، آوا سنج توانایی آن را بدست آورده که طیف نگاشته‌هایی صوتی تهیه کند» (عباس نژاد، ۱۳۸۵، ص ۵۴۰ تا ۶۲۹). الفاظ و آیات قرآن کریم دارای آنچنان، موسیقی هستند که اجزاء کلام با سازواری در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و هیچ از هم نمی‌رند و ذره‌ای تنافر در میانشان وجود ندارد. برای نمونه؛ در عبارت قرآنی «لا اله الا الله» آوای زیبایی از خواستگاه «لا» موج می‌گیرد و با توالی حرف «ل» و تموج هجایی جذابی طنین می‌افکند و در پایان با «الله» استقرار می‌یابد. تمامی عبارت‌های قرآنی در اوج فصاحت، از گره خوردگی، پیچیدگی و تعقید به دور است به گونه‌ای که حروف و الفاظ از هم جدا نمی‌شوند و در کار یکدیگر اختلال ایجاد نمی‌کنند (الطیبی، ۱۳۶۵، ص ۴۷۷). علاوه بر آن به‌کارگیری واژه‌ها در قرآن کریم از چنان ظرافت و دقتی برخوردارند که امکان جابجای آن‌ها با واژه‌های دیگر غیرممکن است؛ لذا می‌توان گفت که در حقیقت چیزی به نام مترادف در قرآن کریم وجود ندارد چرا که واژه‌ها از لحاظ عاطفی و تفکر برانگیزی و... جایگاه خود را دارد و هیچ واژه‌ای نمی‌توانسته به طور دقیق جایگزین واژه‌ای دیگر شود، مگر آنکه اندکی از بار معنایی و عاطفی و... آن چشم‌پوشی کنیم.

در این زمینه مصطفی صادق رافعی آیهی «فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالِدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ» (اعراف، ۱۳۳) را آورده و پس از توضیحی که درباره نظم این واژگان می‌دهد می‌گوید: هر چه این الفاظ ۵ گانه را زیر و رو کنید خواهید دید که هر کدام جز در جایی که قرار گرفته اند مناسب و فصیح نیست‌اند و اندکی جابجای آنان زیبایی و شیوایی آیه را از میان خواهد برد. (رافعی و ابن الدین، ۱۳۶۱، ص ۱۷۳)

چرا که در حقیقت، ویژگی‌های کلی در گزینش واژه‌های قرآن این گونه است: ۱- واژه‌های استوار و درست. ۲- واژه‌های آشنا و مشخص. ۳- واژه‌های خوش‌نوا و هماهنگ. ۴- واژه‌های عفت‌مند و در گزینش آن‌ها نهایت ادب رعایت شده است. ۵- گزینش هر واژه حکمتی و درسی می‌آموزد. ۶- واژه‌ها عمیق و ژرف و فراگیر. ۷- آهنگ واژه‌ها با معانی هماهنگ است. ۸- واژه‌ها با هم هماهنگ است و در آمیزش با واژه‌های دیگر نهایت سازگاری را دارد. این سازگاری گاهی لفظی است و گاهی معنوی است. البته گاهی هم تناسب معنوی دارند و هم لفظی؛ مانند

واژگان آیه «جنى الجنتين» که هم تناسب لفظی دارد هم تناسب معنوی و کاملاً باهم هماهنگ هستند، به گونه‌ای که هیچ واژه دیگری نمی‌تواند جانشین این واژه‌ها شود (نصیریان، ۱۳۷۴، ص ۱۶۳).

واژه‌های ناآشنا و مهجور به فصاحت واژه‌ها آسیب می‌رساند، اثری که جنبه هشدار دارد و حامل پیام آگاهی و بیداری است؛ باید دارای واژه‌ای باشد که همگان آن را بفهمند و برای مردم آشنا باشد. ویژگی خاص گزینش واژه قرآنی در این است که؛ در قرآن نه تنها واژه غریب و مهجور نیست، بلکه واژه‌هایی که کاربرد عمومی ندارند و یا واژه‌های اصطلاحی و گروهی هستند، نیز در قرآن به کار نرفته است (عرفان، بی‌تا، ص ۴۸). اسرار و ویژگی‌های منحصر به فردی که در پیوند و ترکیب حکیمانه واژگان و آیات قرآن نهفته است، تنها با ریزنگری و تعمق در آیات به دست می‌آید. به همین دلیل خداوند متعال انسان را به تدبیر و تعمق در قرآن سفارش کرده است. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء، ۸۲)

از سوی دیگر، تکرار پیوسته آیات الهی نه تنها خستگی‌زا نیست، بلکه به لطافت و طراوت آیات الهی نیز می‌افزاید. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَلَا تَخْلِقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَ وُلُوجُ السَّمْعِ». تکرار شنیدن پیاپی آیات، کهنه‌اش نمی‌سازد و گوش از شنیدن آن خسته نمی‌شود (نهج البلاغه، ۱۳۸۴، ص ۲۹۰).

هم چنین، زمانی که شماری از اعضا و اجزای گوناگون، هماهنگ و منسجم باهم پیوند می‌پذیرد و درهم گره می‌خورند و دستگاهی منسجم و کارآمد را سامان می‌دهند، یک ساختار پدید می‌آید که بخشی بیرونی و پیدا دارد به نام «روساخت» و بخشی پنهان و پوشیده با نام «ژرف ساخت» و اعضا و اجزایی با نام «سازه» یا «واحدهای ساختاری»؛ با روابط و پیوندهایی که میان این اعضا و اجزا هست با نام «روابط ساختاری» این روابط ساختاری و یا به عبارتی رابطه بین لفظ و معنی «ائتلاف اللفظ و المعنى» را در واژه‌های قرآن به ارمغان می‌آورد؛ و به اندازه‌ای هماهنگ و همگون است که اوج زیبایی و عمق محتوا را به هم آمیخته است (راستگو، بی‌تا، ص ۷).

برای نمونه اگر آیه خبر از عذابی هولناک داشته باشد، واژه‌ها نیز آهنگی خشن و تکان دهنده خواهند داشت. ولی، اگر آیه در توصیف بهشت و نعمت‌هاست، موسیقی واژگان نیز بسیار لطیف و مست کننده است. یکی از آهنگ سازان بزرگ غربی، قرآن را بر اساس بسامد و فرکانس‌ها و ارتعاشات و نت‌های موسیقی بررسی کرده و دریافته در مواردی که قرآن از موضوعی جدی سخن می‌گوید (مانند معاد و قیامت) ضرب آهنگ واژگان بسیار تند و محکم است، مانند ضرب آهنگ حروف در آیه شریفه: «أَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ» (قمر، ۱) اما در موضوعات عاطفی، موسیقی شنیداری، هماهنگی با چنین محتوایی ملایم و عاطفی دارد؛ مانند ضرب آهنگ‌های ملایم و عاطفی در آیه مربوط به یتیم و بینوا. «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» (ضحی، ۶۶) و سخن خداوند با بنده سرکش گریز پا «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» تکرار حرف «زا» و «لام» در «ر» «ازلزلت الأرض زلزالها» «(زلزال، ۱) اشاره به تکرار و پی در پی لرزیدن زمین به عنوان عذاب پروردگار برای تبه کاران است؛ بنابراین، این جنبه زیبا از اعجاز قرآن نیازمند تحقیق و بررسی گسترده و موشکافانه است تا شگفتی‌هایش بیش از پیش آشکار شده و عظمتش نیز نمایان شود. در نتیجه ضمن حساسیت مساله و اهمیت این موضوع، ما برآنیم که این بعد لطیف از قرآن را شناخته و مصادیق مربوط به آن را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

مفهوم شناسی:

در حقیقت موسیقی، زبانی است که به جای حروف با اصوات سروکار دارد، همان گونه که از ترکیب دو یا چند حرف، کلمه‌ای ساخته می‌شود و مجموع کلمات، جمله را می‌سازد؛ از یک یا چند صدا وزنی ایجاد می‌شود و از مجموع چند وزن یک جمله موسیقی تشکیل می‌شود. از موسیقی تعاریف مختلفی شده است که به برخی اشاره می‌شود: «موسیقی عبارت از اصوات و آهنگ‌هایی که در روان آدم تحریکاتی ایجاد کرده، که گاهی شخص از آن لذت می‌برد و زمانی با آهنگی به غم و افسردگی دچار می‌شود» (عبدالله خوروش، بی‌تا، ص ۲۶).

به عبارت دیگر «موسیقی صنعتی است؛ مرکب از جسمانی و روحانی، و هر صنعتی که به دست مردم ایجاد شود جز اشکال جسمانی است، الا صنعت موسیقی که موضع آن جواهر روحانی است؛ و تاثیرات او تماماً روحانی است و نفس به سبب او حرکت می‌کند» (بینش تقی، ۱۳۷۱ ص ۴۷). ناگفته نماند که «صنعت آهنگ و نغمات، دانش سازها و آواها، غنا، ترکیب اصوات، علم الحان، یک قسم از اقسام چهارگانه علم ریاضی قدیم است. ارسطو موسیقی را یکی از شعب ریاضی برشمرده و فلاسفه اسلامی نیز رای او را پذیرفته‌اند (حسینی دشتی بی‌تا، ج ۹، ص ۳۶). به تعبیر دیگر «موسیقی زبان روح است؛ موسیقی زبان خداست (دورینگ، مترجم، فضایی، بی‌تا، ص ۲).

پس در تعریف موسیقی می‌توان گفت: موسیقی مجموعه‌ای از اصوات و الحان است که یا موجب نشاط روحی می‌شود و یا نفس را محزون می‌کند. اینجاست که موسیقی قرآن کریم چهره‌ی ویژه و خاص خود را نمایان می‌سازد و می‌توان گفت؛ بهترین نوع موسیقی که باعث تلطف روح شده و انسان را به وجد می‌آورد؛ موسیقی و آهنگ زیبایی الفاظ و کلمات قرآن است؛ اما با این حال موسیقی الفاظ قرآن کریم در یک جایگاه و موقعیت ثابت و مشابه قرار نگرفته‌اند و دارای سطوح متفاوت و گوناگونی هستند.

تحلیل مسأله:

موسیقی الفاظ قرآن کریم دارای تفاوت‌های ساختاری گوناگونی هستند؛ چرا که به گفته صاحب‌نظران، استفاده از موسیقی جهت تسکین درد یکی از عام‌ترین و ساده‌ترین روش‌های انحراف افکار است که بیشتر بیماران به آن پناه برده‌اند. تحقیقات مختلفی درباره اثرات موسیقی (شاد و مهیج، غمناک و...) بر وضعیت درد، به عمل آمده که گاه نتایج متفاوتی به همراه داشته است. موسیقی با تحریک مستقیم اعصاب شنوایی که خود عامل منحرف‌کننده توجه فرد از درد محسوب می‌شود؛ و همچنین ایجاد حالت آرامش و سکون و انبساطی که اغلب پس از شنیدن موسیقی مناسب در افراد پیدا می‌شود. اثرات خود را نمایان می‌سازد و در این موارد نیز بیش‌ترین تأثیر را در موسیقی‌هایی می‌توان دید که برای فرد مفهومی عمیق داشته و با وضعیت روحی او هر چه بیشتر هماهنگ و هم‌ساز باشد. یکی از زیباترین، دل‌نشین‌ترین، جذاب‌ترین و طبیعی‌ترین موسیقی‌ها، موسیقی روح فزای ناشی از تلاوت قرآن کریم برای مؤمنان و معتقدان به آن است. زیرا قرآن با همگان سروکار دارد و لذت بردن از زیبایی آن، مختص گروه خاصی نیست؛ اما هر چه فرد انس بیشتری با آن داشته باشد؛ قطعاً از این موسیقی بیشتر لذت خواهند برد (نیکبخت نصرآبادی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵-۱۰۶).

نظم آهنگ قرآن از جایگاه بی‌بدیلی برخوردار است که توجه هنرمندان معاصر را نیز به خویش جلب نموده است، به عبارت روشن‌تر «معادله آوایی - معنای یا فونوسماتیک» زبان قرآن امری است که در زمان معاصر بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است؛ چرا که زیبایی و نظم و آهنگ لفظی قرآن بی‌ربط به معانی نیز نیست، بلکه متغیرهای

فونتیکی، هجا و آوایی با متغیرهای سمانتیکی و معانی همراه و هم پاست. حرکت و سکون، مخارج حروف، مد و غنه، فواصل و یک‌یک امور مربوط به تجوید و تقارن‌ها و اوضاع هارمونیک آیات، آوا، نوا و موسیقی آن‌ها متناسب با سیاق معانی و مضامین سخن و اوضاع و مقتضیات مربوط به سخن دگرگون می‌شوند. آهنگ‌ها و الحان و فواصل بیانگر جو و جغرافیای سخن است (حق‌شناس، ۱۳۸۰، ص ۵۵). در دوره معاصر خصوصیت آوایی - معنایی (فونو سمانتیک) به طور مشخصی محل توجه قرار گرفته شده است. در دیار عرب احمد بدوی، بکری شیخ امین، سید قطب و احمد خولی و در ایران سید محمود طالقانی راجع به این ویژگی در زبان قرآن سخن گفته اند. شاید یکی از علل مطرح شدن این ویژگی در دوره معاصر پیشرفت دانش زبان‌شناسی و آواشناسی بوده باشد امروزه پژوهش‌گران زبان در فصل مستقلی با عنوان خصوصیت‌های زیر زنجیری گفتار بر نقش عواملی چون آهنگ، کوبه، تکیه و نواخت، زیر و بمی امتداد و کشش، طنین و درنگ در دلالت‌های زبان توجه دارند. (عباس نژاد، ۱۳۸۵، ص ۴۸)

سبک و اسلوب خاص قرآن سبب پیدایش آهنگی شده است که هر چند در کلام عرب بی سابقه نبوده است؛ اما به این ترتیبی که در قرآن مشاهده می‌شود - به گونه‌ای که شنونده را وادار به استماع و توجه به آن نماید و یک نوع موسیقی مخصوصی در تنسيق کلمات و ترتیب حروف ایجاد کند - نبوده است؛ به این معنی که: «اعراب در تالیف حروف و تنظیم لهجه‌ها، ملزم به طریقه فنی صحیحی از موسیقی نبوده و به هر نحو که پیش می‌آمده از آن تبعیت می‌کردند و به ترجیح صوت بدون آنکه به تغییر حروف نظری داشته باشند اکتفا می‌کردند. هنگامی که قرآن نازل گردید در حروف، کلمات و جمله‌های آن الحانی از موسیقی فنی وجود داشت که پیش از آن سابقه نداشت» (حجازی، ۱۳۵۴، ص ۱۲۴).

کسانی که به اسرار موسیقی و فلسفه آن آگاهی دارند، می‌دانند که در موسیقی عربی هیچ تناسبی مانند آن تناسب که در کلمات و حروف و اصوات قرآن می‌باشد وجود ندارد؛ این معنی به هیچ وجه قابل انکار نیست. حتی کسانی که در مقام معارضه با قرآن برآمدند؛ مانند، مسیلمه و کسانی که تنها با الحانی که مخصوص به اصوات است اکتفا کرده و به عبارتی مسجع و الحانی که مربوط به ترتیب حروف بوده سرگرم می‌شدند. با مقایسه بین خواندن، عبارات فصحای عرب و طرز خواندن قرآن و طریقه ادای آن اهمیت این معنی به خوبی معلوم می‌گردد. (رافعی و ابن الدین ۱۳۶۱، ص ۱۶۸). دامنه، می‌توان در هر موردی نشانی از آن یافت همان‌طور که در طبیعت به صورت‌های گوناگون این انتظام را مشاهده می‌کنیم. ضربان قلب، وجود قرنیه‌ها، بازی رنگها و حرکت موزون آن‌ها از بی‌رنگی تا پررنگی، نظام طبیعت از بر آمدن آفتاب تا غروب آن، گردش سیارات، همه و همه.

بنابراین، اگر از این همه نظم و از جمله کلام منظوم خداوند لذت می‌بریم، به سبب آن است که با فطرت ما عجین شده است. البته باید اظهار کنیم که درک موسیقی و نواشناسی در هر زبانی برای افرادی که از آن ملیت نیست‌اند به اندازه آشنایان به آن زبان نیست. مثلاً آن گونه که فرد ایرانی از موسیقی ایرانی؛ یا انسان غربی از موسیقی غربی لذت می‌برد، به احتمال قوی شخصی از اهالی آفریقای جنوبی از موسیقی ایرانی یا غربی لذت نمی‌برد؛ اما موسیقی قرآن کریم برای غیر عرب‌ها نیز لذت بخش است. قرآن کریم با توجه به تأثیری که هر کدام از حروف در درک لذت شنیداری دارند، از آن‌ها به عنوان ضرب آهنگ‌های گوناگون بهره گرفته شده است. برای مثال به نقش «سین» در چند آیه زیر توجه فرمایید: «فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنُفِ * الْجَوَارِ الْكُنُفِ * وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ * وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» (تکویر، ۱۵-۱۸) (صبحی صالح، ۱۳۷۹، صص ۴۷۶) «وحدت، نظم، آهنگ و رابطه‌ای بین این آیات است که

مفسران اغلب آن را نادیده گرفته اند» (القانی، ۱۳۵۸، ج ۳ ص ۱۹۰). نظم آهنگ و موسیقی قرآن کریم را می توان به دو دسته کلی منقسم نمود:

۱ موسیقی و آهنگ آیات قرآن کریم:

از ترکیب تک تک واژه‌های قرآنی کلامی حاصل می‌شود که به اصطلاح آیه گفته می‌شود. در این کلام آهنگی وجود دارد که با حرکت دهان و زبان از حروف و کلمات ترکیب یافته است. کلام فصیح و بلیغ خداوند متعال از لحاظ آرایش الفاظ و واژه‌ها به گونه‌ای است که الفاظ آن در نهایت شیوایی و شیرینی، جمله‌بندی‌هایی در نهایت ظرافت و زیبایی و کلمات آهنگ دار و موزون می‌باشد. در حقیقت؛ قرآن بزرگ‌ترین اعجاز است و دستمایه آن از جنس کلمه و کلام است که تا ابد ماندگار است و تناسب کاملی با فضای بعثت که همان فضای ادبی، سخنرانی و شعرپردازی بود، داشته باشد.

همین حسن انتخاب الفاظ است که مهیج احساسات انسان است و روح انسان را به پرواز درمی‌آورد. در سرتاسر قرآن، یک لفظ ناموزون و نابجا به کار نرفته است. چنان که اگر لفظی مفردش زیبا و جمعیش زشت و یا برعکس بوده فقط همان که زیباست استعمال گردیده است. مثلاً لفظ ارض در قرآن زیاد آمده است ولی جمعیش (ارضون - ارضین - اراضی) استعمال نشده است و اگر لازم بوده که جمع آورده شود به صورت دیگری آورده شده است؛ مثلاً وقتی که از آسمان‌ها هفت گانه نام برده، در ارتباط با زمین می‌فرماید: «و من الارض مثلهن» و با مثلهن معنی هفت بودن را رسانده است؛ و «الارضین السبع» نگفته است و نیز اگر لفظی زیبا نبود و مترادفی هم نداشت قرآن به جای آن عبارت آورده است که معنی آن را روشن نماید. مثلاً لفظ «آجر» عربی است و فصحا و بلغای عرب آن را به‌کار برده اند. ولی قرآن وقتی از قول فرعون می‌خواهد نقل کند که به هامان گفت: آجر بسازد «اصنع الاجر» می‌گوید: «فَاَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ» یعنی ای هامان برای من بر گل آتش برافروز (رافعی و ابن الدین، ۱۳۶۱ ص ۱۷۴). تمامی ظرایفی که در چینش حروف، واژگان، کلمات و در تمامی آیات وجود دارد، مصداقی از ابعاد گوناگون و همه جانبه اعجاز قرآن کریم است.

۲ نقش مخارج صوتی و فواصل آیات در پیدایش نظم آهنگ:

هر چند عبارات قرآن، در ظاهر کم و بیش بی‌شبهت به نثر مسجع نیست، اما بیشتر عالمان مسلمان برای خودداری از به‌کارگیری کلمه‌ی مسجع (به معنای آواز کبوتر)، پایان بندهای هم آهنگ آیات قرآن را فاصله نامیده اند. به هر حال سبک قرآن سبک خاصی است؛ اوزان آزاد، مترنم و رقصان، افتان و خیزان می‌باشد. عرب از آغاز کار و حتی پیش از آن که دعوت قرآن را بپذیرد؛ تحت تأثیر ترنم موسیقایی و لحن و ریتمیک آن قرار گرفت؛ و بر این اثر گران‌قدر عنوان‌هایی همچون شعر داده و با آوازه‌های سحرآمیز کاهنان مقایسه‌اش کردند. بعد از پذیرش اسلام نیز به قرائت و تجوید و نغمه‌ی ملکوتی کتاب آسمانی دل بست. بر اساس مدارک موجود از قرن سوم در این باره تحقیقاتی شروع شد. ابوسعید عبدالملک اصمعی (م ۲۱۳ هـ ق) فاء (م ۲۲۳ هـ). ابو عبید قاسم بن سلام (م ۲۲۳ هـ ق) اینان کسانی هستند که درباره زبان آهنگین بحث کرده اند. قابل توجه است که هر یک از سه ادیب سرشناس مقارن با اوایل خلافت عباسی و شاگرد یکی از قاریان هفت گانه بوده اند (عبد نژاد، ۱۳۸۵، ص ۶۵۸۸).

«آنچه در بحث فواصل نقش اصلی را دارد؛ معناست نه لفظ تنها. یعنی فواصل قرآن صرفاً یک هم آهنگی لفظی نیست و بیشتر نظم معنایی خاصی را نیز در لابلای بندها و آهنگ ها به وجود می‌آورند. در عین حال این فواصل سهل و آزاد و بی تکلفند» (بنت الشاطی، ۱۳۴۸، ص ۲۳۹). عبارات شیوا و رسا، آهنگ پر جاذبه و دل پذیر، اسلوب زیبا و بدیع و بلاغت خارق العاده‌ی قرآن با مایه‌های سرشار از معانی و معارف بلند و دل‌انگیز نه تنها گرویدگان نخستین را مجذوب و شیفته‌ی خود ساخت، بلکه دشمنان سخن‌شناس ولید بن مغیره، اخنس بن شریق و عمرو بن هشام (ابوجهل) نیز از آوای دل ربای آن استراق سمع می‌کردند. در خود قرآن از این گونه گوش دادن های مخفیانه سخن رفته است. تأثیر حیرت‌انگیز آیات را نیز در داستان اسلام آوردن عمر بن خطاب، طفیل بن عمر دوسی، عتبه بن ربیع و... شاهد هستیم. این تأثیرات به اندازه‌ای بود که حتی دشمنان تاکید می نمودند، (فصلت، ۲۶) به پیامبر (ص) نسبت ساحر می‌دادند و می‌گفتند از افسون جادویی سخن او بگریزد و آن گاه که از کنارش به هنگام تلاوت آیات عبور می‌کردند جامه برسرکشیده و می‌گذشتند. ولید گفت: سخن او شرینی خاصی دارد. ریشه‌ی آن پر مایه و شاخه اش پر میوه است. از اهل کتاب هم کسانی بودند که با شنیدن آیات قرآنی اشک از چشمانشان سرازیر می‌شد «مائده، ۸۳» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۴۳۳).

علاوه بر حرکات حروف که نقش مهمی در پیدایش آهنگ قرآن دارد، مخارج صوتی حروف و پایان آیات و فواصل سوره‌ها نیز نقش مهمی در پیدایش آهنگ و ایقاعات (ایقاع: هم آهنگ ساختن آواها) خاص دارد. مثلاً، در سوره‌ی کوثر، پایان هر آیه به «راء ما قبل مفتوح» در کلمات «الْكَوْثَرَ - أَنْحَرُ - الْأَثَرُ» ختم می‌شود که تکرار «حرف راء ما قبل مفتوح» در پایان هر آیه، آهنگ دلنشینی ایجاد کرده است به گونه‌ای که، روح آدم را به وجد می‌آورد. مخارج صوتی حروف، حرکات، ترکیبات و فواصل این سوره آهنگ و ایقاعات خاص و وصف ناپذیری دارد. هر آیه دارای دو ایقاع است که از حروف هم مخرج «ا، ن، ک، ل» متصل و منفصل و فواصل «راء ما قبل مفتوح» ترکیب یافته که از مجموع آن‌ها، آهنگ یکنواخت بر می‌آید، آیه‌ی اول با حرکت کسره و نون مشدد و فتحه‌ها و سکون های متوالی آمده که حرکت اعطاء را از مبدأ تا نهایت می‌نمایاند. «صدای حروف و حرکات متنوع آیه، بیانگر دو امر متوالی است. معانی عالی و پیشگویی قاطعی که در آیه‌های کوتاه» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۸۱).

اگر حروف قرآن کریم به نحو صحیح ادا شود، در شنیدن و ترکیب حروف و کلمات زیبایی وصف ناپذیری به وجود خواهد آمد؛ چرا که هر یک از آهنگ‌ها و ظهور خفاء فراز و فرود آوایی خود را دارند. زیبایی و موسیقی الفاظ قرآن کریم در زمره اعجاز قرآن قرار دارد به نحوی که اگر کلامی از کلام بشری بدان وارد گردد، نظم آن در کلام قاریان تغییر یافته و نظام آن در گوش شنوندگان مختل می‌شود. عجیب آنکه، موسیقیایی قرآن از یک سو دلیل اعجاز قرآن به شمار می‌آید و از دیگر سو به عنوان حصارهای بلند و رفیع برای حفظ قرآن ایفای نقش می‌کند؛ زیرا زیبایی و نظام آهنگین قرآن جذاب و مردم را به خود جلب و انسان را به روی آوردن به قرآن تحریک می‌کند (زرقانی، ۱۳۸۵، ص ۹۲۲).

نظم آهنگ قرآن، اگر چه در سوره‌های کوتاه، به دلیل داشتن فاصله‌های نزدیک بیشتر از سوره‌های بلند نمایان است اما همواره. برای مثال در سوره نجم می بینیم:

«وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ * مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ * وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدٌ الْقُوَىٰ * ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ * وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ * ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ * فَأُوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أُوْحَىٰ * مَا

كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى * أَفْتَمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَى * وَلَقَدْ رَأَىٰ نَزْلَةَ أُخْرَىٰ * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ * إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى * مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى * لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى * أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى * أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى * تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ * (نجم، ۱-۲۲) این فاصله‌ها تقریباً وزنی مساوی دارند - ما نه بر اساس نظام عروضی عرب - و قافیه نیز در آن رعایت شده است. همسازی حروف واژگان و هماهنگی کلمات در درون جمله‌ها یک ریتم موسیقایی پدید آورده است. ویژگی اخیر به دلیل حس داخلی و ادراک موسیقایی باعث می‌شود که میان یک ریتم و ریتم دیگری - هر چند که فاصله‌ها و وزن یکی باشد - اختلافاتی وجود داشته باشد.

در حقیقت «نظم آهنگ پیروی از نظام موسیقایی جمله با طولی نه کوتاه و نه بلند است. بلکه، طولی میانه دارد. نظم آهنگ با تکیه به حرف» روی (روی، در اصطلاح عروض، حرف اصلی قافیه که مدار قافیه بر آن است) نظمی سلسله وار و داستان گونه می‌یابد. تمام این ویژگی‌ها لمس شدنی و در برخی فاصله‌ها بسیار نمایان تر است؛ مانند: «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ» پس اگر بگوییم: «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَمَنَاةَ الْأُخْرَىٰ» وزن مختل می‌شود. «اگر می‌فرمود (و مناه‌الثالثه) آهنگ و قافیه از میان می‌رفت. این سوره در واقع یک منظومه موسیقی آسمانی، آهنگین و نغمه دار است. که نغمه‌ها و آواهایش در ساختار واژگان سوره طنین انداز می‌شود» (سید قطب، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ص ۱۱۶).

اگر کلمه‌ای را که به شکل خاص به کار رفته؛ به صورت قیاسی، با واژه دیگری تعویض کنیم یا واژه‌ای را حذف یا پس و پیش کنیم، در این نظم آهنگ اختلال به وجود می‌آید. نظم آهنگ دقیق و جذاب آیات قرآن کریم دارای مصادیق فراوانی است که برای نمونه به چند مورد پرداخته شده است.

نمونه اول، ماجرای حضرت ابراهیم علیه السلام است: «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُتِّبَ تَعْبُدُونَ * أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ * فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ * فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ * وَالَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِي * وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي * وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (شعرا، ۷۵-۸۲) «یاء متکلم» در کلمات «یهدین، یسقین، فین، یحیین»، به خاطر قافیه با کلماتی مانند «تعبدون، اقدمون، ان و...» برگرفته شده است (معرفت، بی تا، ص ۲۳۸)

در این مثال هیچ گونه تغییری در صورت قیاسی کلمه به وجود نمی‌آید، اما اگر نظام ترکیب کلمات تغییر کند، اختلالی در موسیقی نهفته در این ترکیب به وجود می‌آید، مثلاً: «ذَكَرْتُ رَحْمَتَ رَبِّكَ عَبْدُكَ زَكَرِيَّ * إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا * قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا * وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا» (مریم، ۴-۲) که اگر کلمه (منی) پیش از (العظم) آورده شود و عبارت به این شکل تغییر کند: (قال ربی انی وهن منی العظم) احساس می‌شود وزن شکسته است و این فقط باید پیش از «العظم» بیاید تا آهنگ حفظ شود: قال رب انی وهن العظم منی.

همان گونه که گفته شد، یک نوع موسیقی درونی در کلام قرآن وجود دارد که احساس شدنی است. موسیقی درونی، بیان قرآن را همراهی می‌کند و از آن کلماتی موزون و با حساسیتی والا می‌سازد که با کوچک‌ترین حرکات دچار اختلال می‌شود، هر چند که عرب در نوشتن نثر و سرودن شعر، با هم رقابت می‌کردند و بر یکدیگر فخر می‌فروختند، اما سبک کلام آنان همیشه بر یک منوال بود. آنان در منطق و بیان آزاد بودند و فن سخنوری می‌دانستند. البته فصاحت عرب از یک طرف فطری و از طرفی الهام گرفته از طبیعت بود؛ اما وقتی قرآن نازل شد،

آنان ملاحظه کردند، الفاظ همان بود که می‌شناختند، اما پی در پی، بدون تکلف و روان آمده و ترکیب و هماهنگی و هم سازی واژگان در اوج است، از شکوه و فخامت آن متحیر گشتند.

«در نغمه‌های موسیقی، گوناگونی صدا، مد و طنین، نرمی و شدت و حرکتهای مختلفی که همراهش می‌شود، به اضافی زیر و بم بلاغت صدا می‌نامند، باعث خلجانان روحی می‌شود» (جوان آراسته، ۱۳۷۷، ص ۳۴). چنانچه، در می‌یابیم که هیچ زبانی از زبان قرآن بلیغ‌تر نیست و همین جنبه برانگیزاننده احساسات آدمی—چه عرب و یا غیر عرب—است. با توجه به، تشویق به تلاوت قرآن با صدای بلند نیز روشن می‌شود.

این فاصله‌ها که آیات قرآن بدان ختم می‌شوند، تصویرهایی کامل از ابعادی است که جمله‌های موسیقایی بدان ختم می‌شوند؛ اغلب این فاصله‌ها با دو حرف نون و میم که جزء ریتم‌ها و آواهای. برخی از اهل فن گفته‌اند: «در قرآن کریم بسیاری از فاصله‌ها با حروف» مد و «لین» و افزودن حرف نون ختم می‌شوند و حکمت آوردن چنین حرفی، ایجاد نوعی آهنگ است (موسوی، بی‌تا، ۵۳). در واقع حروف به شکل بی نظیری در کنار هم قرار می‌گیرند که به هنگام شنیدن، بدون وجود دستگاه‌های موسیقی و بدون قافیه یا وزن و بحر، چنین آهنگ با شکوهی از آن به گوش می‌رسد (طباطبایی، بی‌تا، ص ۶۴).

جمله‌ای آهنگین که درباره فرمانبرداری پیامبران سخن می‌گوید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم، ۵۸) یا لحن و آهنگ وحشتناک که دیدار با خداوند را در روز قیامت توصیف می‌کند: «عَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَىِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا» (طه، ۱۱۱)

اما هنگامی که قرآن به سخن از جانیان و عذابی که برای آنان در نظر گرفته شده؛ می‌پردازد، «لحن آن به آهنگی سخت و سنگین مبدل می‌شود و در گوش‌ها طنین می‌اندازد. واژگان، گویی سنگ‌های سختی هستند که پرتاب می‌شوند» «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ (قمر، ۱۹-۲۰۰) (سید قطب، ۱۳۸۴، ج ۱۴ ص ۲۰۱).

زمانی هم که ملائکه به حضرت مریم مژده تولد حضرت مسیح را می‌دهند: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران، ۴۵)، بافتی خاص دارد که قبل و بعد از آن وجود نداشته است؛ چرا که تمام این امور در کمال سادگی به وقوع پیوسته اند؛ و اثری از تکلف در آن مشهود نیست (رجبی، بی‌تا، ص ۷۹). نظم آهنگ الفاظ قرآن کریم در دو بعد جلوه می‌نماید که عبارتند از:

الف) نظم آهنگ درونی قرآن:

یکی از نظم آهنگ‌های موجود در آیات قرآن کریم، نظم آهنگ درونی است که به نحو خارق العاده‌ای در تک تک آیات قرآن کریم قابل مشاهده است. آهنگ‌های قرآن یک موسیقی کامل است. آهنگ قرآن این هنر را دارد که به آنچه قرائت شده معنا می‌دهد و آن را در نظر انسان برجسته‌تر می‌کند و کلمه به کلمه را در مغز می‌نشاند؛ مانند؛ آبی در روح جریان پیدا می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۶۷، ص ۴۲). موسیقی و آهنگ درونی قرآن بر خلاف موسیقی بیرونی، مربوط به نوای احساس انگیزی است که در اثر پیوند و مؤانست میان لفظ و معنی پدید می‌آید. آیت الله محمد

هادی معرفت در این زمینه می‌گوید: «موسیقی بیرونی، دستاورد صناعی مانند قافیه، سجع و تجزیه یا تقسیم سخن منظوم به مصراع‌های مساوی و اوزان و بحرهای قراردادی است، که از هماهنگی قالب‌های مجرد لفظی به شمار می‌آید. اما» نظم آهنگ درونی دست آورد جلالت تعبیر و ابهت بیان پدیده آمده از مغز کلام و کنه آن است. تفاوت نوع نخست با نوع دوم نیز بسیار است، زیرا در نوع دوم، زیبایی لفظ و شکوهمندی معنا، پیوندی ناگسستنی دارند و مؤانست میان این دو نوایی ویژه پدید می‌آورد (معرفت، بی تا، ص ۲۳۴).

سخنانی که خداوند با آن مجرمین را وعده کیفر می‌دهد از این قبیل است: «إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ» (طه، ۷۴) این آیه دارای بنیاد موسیقایی قائم به ذاتی است که موسیقی آن درون واژه‌ها و از لابه لای آن به شکلی شگرف بیرون می‌تراود.

وقتی قرآن حکایت موسی (ع) را بازگو می‌کند، شیوه‌ای سمفونیک و حیرت انگیزی در پیش می‌گیرد: «وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ ۖ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ۖ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ» (طه، ۷۷-۷۹) «واژگان در اوج سلاست اند. کلماتی مانند «يَسًا» ا «لَا تَخَافُ دَرَكًا» -معنای لا تخاف ادراکا - تجسمی از رقت اند، گویی کلمات در دست خالقشان ذوب می‌شوند، نظام می‌گیرد و نظم و آهنگی بی‌مانند در آن‌ها تجلی می‌یابد. این نظم آهنگ، ساختاری است که در تمام کتب عرب همانندی نداشته و ندارد» (معرفت، بی تا، ص ۲۳۵)

ب) نظم آهنگ بیرونی قرآن:

موسیقی بیرونی دست آورد صناعی مانند قافیه، سجع و... می‌باشد که با نظری بر قرآن کریم، این نوع موسیقی را می‌توان به روشنی در آیات زیر مشاهده نمود.

نمونه اول: «موسیقی» الف مقصوره در سوره مبارکه «اللیل»: «يَغْشَىٰ، تَجَلَّىٰ، لَشَّتَىٰ، اِتَّقَىٰ، الْحُنَىٰ، لَيْسِرَىٰ، اِسْتَعْنَىٰ، الْحُسْنَىٰ، لِّلْعُسْرَىٰ، تَرَدَّىٰ، لِّلْهُدَىٰ، الْاُولَىٰ، تَلَطَّىٰ، الْاَشْقَىٰ، تَوَلَّىٰ، الْاَتَقَىٰ، يَزَكَّىٰ، ت، تَزَىٰ، اَعْلَىٰ، يَضَىٰ.» نمونه دوم: موسیقی «ها» در سوره مبارکه «شمس»: «ضَحَاهَا، ت، هَا، جَلَا، جَا، ي، اِش، يَهَا، بَن، حَاهَا، س، سَطَاهَا، قَوَاهَا، ز، زَاهَا، د، زَاهَا، بَطْعَاهَا، اُنْقَاهَا، سَفَىٰ، سَا، ف، سَوَاهَا، عُنْبَاهَا» نمونه سوم: موسیقی «راء قبل ساکن» در سوره مبارکه «القدر»: «الر»: «الْقَدْر، ه، ا، اَم، ش، ش، ا، ا، اَنْمُونَه چهرام: موسیقی «ناس» در سوره مبارکه «ناس»: «اله «اس، اس»: «الن، اس، الْخَنَاسِ، النَّاسِ، ا، ا، اس، ا، اونه پنجم: موسیقی «لام» در سوره مارکه «فیل»: «الفِيلَه «ضليل»: «أَب، ت، تَجَّىٰ، ا، م، سَك، سَلِ، ص، م (موسوی، ۵۸ ص بی تا، ص ۵۸).

موسیقی و آهنگ دانشین آیات قرآن، به اندازه‌ای اهمیت دارد که حتی در مواردی صرف و نحو را تحت الشعاع خود قرار داده است. مثلاً: «قرآن کریم در سوره» انسان، «قواریراً» را به منظور حفظ موسیقی لفظی کلام، با تنوین ذکر کرده است، با اینکه نحویان، «قواریراً» را غیر منصرف می‌دانند (معروف، ۱۳۸۰، ص ۳۱). «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ۖ مُتَّكِنِينَ بَيْهَا عَلَى الْأُرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا ۖ وَأَدْنَيْهَ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَيْدِيهَا تَدْلِيلًا ۖ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِأَنْبِيَاءٍ مِنْ فَضْلِ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا» (انسان، ۱۵- ۱۱) «اگر به آیات کریمه فوق بنگریم موسیقی» الف را در همه.

هم چنین، در سوره مسد نیز به دلیل حفظ موسیقی حرف «باء» وصف قلقله (که رعایت آن، زیبایی و آهنگی خاصی به سوره می‌بخشد) در پایان آیات این سوره، کلمه «تَبَّ» در آیه اول، به جای «تَبَّت» آمده است که در این مورد هم نحو فدای موسیقی می‌شود. «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ * سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ * وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ * فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ» (مسد، ۱-۵)

نمونه دیگر در سوره علق است که «سَدْعُوا» در آیه ۱۸، به خاطر هم آهنگ شدن با «لِذِئْبِ» در آیه ۱۷ به صورت «سَدْعُ» آمده است و با این تغییر، موسیقی آیه به خوبی حفظ شده است و بار دیگر به دلیل حفظ و انسجام موسیقی و آهنگ آیات، نحو فدای موسیقی می‌شود. «فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ * سَدْعُ الزَّبَانِيَّةِ» (لق، ۱۷-۱۸) (حمدی، ۱۳۸۰، صص ۳۹. با دقت و توجه در پایان آیات، در سوره های مختلف قرآن کریم خواه مکی و یا مدنی باشد؛ می‌توان به عمق و ابعاد این نظم الهی در چینش الفاظ و عبارات پی برد.

نتیجه گیری:

از آنچه گذشت بدست می‌آید که موسیقی الفاظ و واژه‌های قرآن در تمامی آیات، هماهنگ و همگون با یکدیگر است؛ و هیچ گونه سنگینی و تنافری در موسیقی آن‌ها مشاهده نمی‌شود. چرا که خداوند سبحان کلماتی را که در زبان عربی دارای ثقل و سنگینی در تلفظ بوده هنگام قرار گرفتن در آیه چنان به کار برده که نه تنها تنافر و زشتی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود؛ حتی بسیار لطیف بوده، به گونه‌ای که ترکیب کلام آهنگی دلنشین پیدا کرده است. نظم و آهنگ قرآن یعنی نوایی که در نتیجه نظم ویژه و هماهنگی بین حروف در یک کلمه و نیز همگونی و هم وزنی الفاظ پدید می‌آید. آهنگ و موسیقی منظم آیات قرآن هم درونی و هم بیرونی است؛ به که موسیقی بیرونی مربوط به صنایعی از قبیل؛ انواع سجع، ترصیع و... می‌باشد. ولی موسیقی درونی، مربوط به نوای احساس انگیزی است که در اثر پیوند و مؤانست میان لفظ و معنی پدید می‌آید. آهنگ آن دسته از واژه‌هایی که بهشت را به تصویر می‌کشد، با آهنگ واژه‌هایی که از جهنم و آتش و شعله‌های آن خبر می‌دهد، فرق دارد. آهنگ واژه‌هایی که رنج و سختی در مفهوم خویش دارد با واژه‌هایی که راحتی و آسایش را می‌رساند، متفاوت است.

موسیقی و آهنگ قرآن از همان آغاز نزول اولین آیات، افراد را به سمت خود مجذوب کرده است به نحوی که حتی ملحدترین افراد نیز تحت تأثیر نوای دلبخش قرآن قرار گرفته بودند. تأثیر آهنگ و موسیقی قرآن کریم نیز به گونه است که هر کس آن را بشنود، حتی اگر با زبان عربی نیز آشنایی نداشته باشد و معانی آن را درک نکند، حالت رقت و لطافت خاصی به او دست می‌دهد و در روح او موجی از شگفتی و خضوع پدید می‌آید که این حالت تنها به محض شنیدن آیات الهی ایجاد می‌شود و سایر الحان، چنین تأثیری در شنونده ایجاد نمی‌کنند. این ویژگی خود یکی از جنبه‌های ارزشمند اعجاز قرآن به شمار می‌رود که تا قیامت همگان از هم‌وردی با آن عاجز و ناتوان خواهند بود. شایسته است هر پژوهشگری به بررسی این جنبه از سوره‌های قرآن بپردازد. تا به کشف اسرار صوتی و آوایی چشم‌گیری نایل آید، نه فقط در حدود یک ویژگی که در زیبایی اعجاب برانگیز قرآن نقش بسزایی دارد

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، مترجم، مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۴)، قم، موسسه امام علی ابن ابیطالب (ع).
- احمدی، حبیب الله، (۱۳۸۰)، زیباترین سخن، قم، انتشارات فاطیما.
- بنت الشاطی، عایشه، (۱۳۶۱)، الاعجاز بیانی و مسایل ابن الازرق، مصر.
- بینش، تقی، (۱۳۷۱)، ۳ رساله فارسی در موسیقی (موسیقی دانشنامه علائی، موسیقی رسائل اخوان الصفا، کنز التحف)، تهران، نشر دانشگاهی.
- جوان آراسته، حسین، (۱۳۷۷)، درسنامه علوم قرآنی، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- حجازی، فخرالدین، (۱۳۵۴)، پژوهشی درباره قرآن و پیامبر، تهران، انتشارات بعثت.
- حسینی دشتی، سیدمصطفی، (بی تا)، معارف و معاریف، بی جا، موسسه فرهنگی آریه.
- حق شناس، علی محمد، (۱۳۸۰)، آواشناسی فونتیک، بی جا، اقبال.
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۶۷)، هنر از دیدگاه سید علی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- خوروش، حسین، عبدالله، (بی تا)، تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان، اصفهان، بنگاه مطبوعاتی مطهر اصفهان.
- دورینگ، ژان، (بی تا)، موسیقی و عرفان، مترجم، فاضلی، سودابه، تهران، نشر پرستش.
- راستگو، سید محمد، (بی تا)، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران، انتشارات سمت.
- رافعی، مصطفی صادق و عبدالحسین، ابن الدین (۱۳۶۱)، اعجاز قرآن و بلاغت محمد، تهران، انتشارات بنیاد قرآن.
- رجبی، محمود، (بی تا)، معارف قرآنی، قرآن شناسی، بی جا، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- زرقانی، محمدعبدالعظیم، (۱۳۸۵)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مترجم، آرمین، محسن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۱)، نقد ادبی، تهران، امیرکبیر.
- صبحی صالح، (۱۳۷۹)، مباحثی در علوم قرآنی، مترجم، لسانی فشارکی، محمد علی، تهران، نشر احسان.
- طالقانی، سید محمود، (۱۳۵۸)، پرتوی از قرآن، تهران، انتشارات قلم.
- طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، اعجاز قرآن، تهران، نشر فرهنگی.
- الطیبی، (۱۳۶۵)، التبیان فی علم المعانی و البدیع و البیان، بیروت.
- سید قطب، (۱۳۸۴)، ترجمه فارسی فی ظلال القرآن، مترجم، خرمدل، مصطفی، تهران، احسان.
- عباس نژاد، محسن، (۱۳۸۵)، مبانی و مقدمات رابطه قرآن و علوم روز، تهران، بی جا.
- عبدالله خوروش، حسین، (بی تا)، تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، اصفهان، بنگاه مطبوعاتی مطهر اصفهان.
- عرفان، حسن، (بی تا)، اعجاز در قرآن، تهران، دارالقرآن الکریم.

مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، وحی و نبوت، قم، انتشارات صدرا.
معرفت، محمدهادی، (بی تا)، علوم قرآنی، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
معروف، یحیی، (۱۳۸۰)، کندوکاوی در صرف و نحو از دیدگاه عروض و قافیه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تهران، شماره ۴۸.

موسوی، سید حسن، (بی تا)، حلیه القرآن، بی جا، سازمان تبلیغات اسلامی.
نصیریان، یدالله، (۱۳۷۴)، اعجاز بیانی قرآن، تهران، معاونت تبلیغات و انتشارات.
نهج البلاغه، مترجم، دشتی، محمد، (۱۳۸۴)، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
نیک بخت نصر آبادی، علیرضا، (۱۳۷۸)، استعانت از قرآن کریم، تهران، قبله.

